

شدّ رحال؛ سفر برای زیارت (نقدی بر عقائد وهابیت در مورد زیارت قبور)

محمد معرفت*

چکیده

در طول تاریخ اسلام مسلمانان قرن‌ها برای زیارت مزار پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قبور بزرگان بقیع بار سفر می‌بستند و کسی مشکلی نداشت تا این که نوبت به ابن تیمیّه در قرن هفتم رسید. وی اولین کسی است که از این مسأله جلوگیری کرد و به حرمت آن فتوا داد و پیروان خود را از این کار منع کرد و گفت: «بار سفر بستن فقط برای رفتن به سه مسجد جایز و بقیّه موارد ممنوع است». دلیل او حدیثی است که در صحاح و به نقل از ابوهریره آمده است. به منظور تبیین این زاویه گیری در بین مسلمانان، ابتدا به بیان فتاوا و ادله مانعین شدّ رحال (سفر برای زیارت) پرداخته و در کنار آن، ادله عقلی، آیات و روایات فریقین با استناد به منابع اهل سنت نقد و بررسی شده است و در نهایت با ارائه هفت دلیل مستند، نه تنها بی پایه بودن این نظریه آشکار می‌گردد، بلکه استحباب این عمل ارزشمند نیز به اثبات می‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

عقائد شیعه، زیارت، شدّ رحال، بار سفر بستن، ابن تیمیّه، وهابیت، ابوهریره

* دانش‌پژوه سطح سه شیعه شناسی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام.

یاد و زیارت پاکان و معصومان علیهم السلام آدمی را در مسیر پاکی و عصمت قرار داده و انسان را بیش از پیش به خدا نزدیک می‌کند. در قرآن می‌خوانیم: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»^۱، همچنین متعلقات اولیای الهی دارای تقدس است و منشاء اثر می‌باشد، چنان که پیراهن حضرت یوسف علیه السلام پدر را بینا کرد.^۲ بر اساس آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَان»^۳ خواندن نماز و قرآن و هدیه ثواب آن به آن امام، دعای آن امام را در حق ما به دنبال خواهد داشت. از طرفی زیارت یعنی به حضور کسی رفتن و او را ملاقات نمودن، پس لازمه آن، قصد و بستن بار سفر به سوی آن می‌باشد.

دسیسه‌ها و تهاجمات دشمنان از دوران رسول الله صلی الله علیه و آله تا عصر حاضر ادامه داشته است و جریان‌های مخالف در عصر ظهور و غیبت همواره در صدد نابودی مذهب حقه جعفری بوده‌اند و حکومت امویان، عباسیان، پادشاهان و سلاطینی که مذهب شیعه را در مقابله با ظلم و جور خود می‌دیدند و می‌پنداشتند که با وجود ائمه اطهار علیهم السلام و شیعیان راستین، راه به جایی نخواهند برد، شیعیان را مورد تعقیب و گریز و قتل عام قرار می‌دادند که موارد فراوانی از آن در تاریخ وجود دارد، هم اینک نیز دشمنانی مثل وهابیت سعی در بی اعتبار کردن مذهب تشیع در اذهان عمومی جهانیان دارند.

همه فرق و مذاهب اسلام - به جز فرقه وهابیت از مذهب حنبلی - بر مشروعیت زیارت اتفاق نظر دارند. وهابی‌ها به استناد روایت بخاری به نقل از ابوهریره، مدعی‌اند که نه تنها زیارت بلکه قصد سفر کردن برای رفتن به مساجد^۴، مشاهد و قبور ائمه مسلمین علیهم السلام غیر شرعی و حرام است، در حالی که علاوه بر سند روایت، دلالت آن نیز محل اشکال است.

وهابیت و شدّ رحال

در تاریخ اسلام و برای قرن‌ها، مسلمانان برای زیارت مزار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبور

۱. نور، ۳۶.

۲. فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْفَتَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا (یوسف، ۹۶).

۳. الرحمن، ۶۰.

۴. البته به غیر از مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد الأقصی.



شدّ رحال؛ سفر برای زیارت

بزرگان بقیع «شدّ رحال» می کردند (به این قصد بار سفر می بستند) و حرکت می کردند و کسی اشکال نمی گرفت. ابن تیمیّه (قرن هفتم) اولین فردی است که به حرمت آن فتوا داد و به شدت مقابله نمود و از آن جلوگیری نمود. او پیروان خود را از این کار منع کرد و گفت: «شدّ رحال (بار سفر بستن) فقط برای رفتن به سه مسجد جایز و بقیه موارد ممنوع است.» و در این باره به حدیثی از «ابوهریره» استناد جست. بعد از او شاگردان و مروجان افکارش این نظریه را دنبال کرده و تا زمان محمد بن عبدالوهاب و وهابیان ادامه داشت. دلیل آنان حدیثی است که در آن پیامبر ﷺ می فرماید: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى وَ مَسْجِدِي هَذَا؛ بار سفر بسته نمی شود مگر برای سه مسجد: مسجد الحرام و مسجد الاقصی و مسجد خودم.»^۱

فتاوی برخی از علمای وهابی

۱. ابن تیمیه می گوید: «كُلُّ حَدِيثٍ يُرْوَى فِي زِيَارَةِ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَإِنَّهُ ضَعِيفٌ بَلْ مَوْضُوعٌ؛ تمام احادیثی که درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ وارد شده، ضعیف بلکه جعلی است.»^۲ و در جای دیگر می گوید: «عن أبي هريرة أن النبي ﷺ لعن زائرات القبور؛ پیامبر ﷺ زائران قبور را لعن کرد.»^۳ از کلام او برداشت می شود که او به طور مطلق از زیارت قبور منع کرده و آن را حرام دانسته است؛ چه با شدّ رحال (بار سفر زیارت بستن) و چه بدون آن.

۲. عبدالعزيز بن باز می گوید: «وأما الرجال فيستحب لهم زيارة القبور، وزيارة قبر النبي ﷺ، وقبر صاحبيه، لكن بدون شد الرحل... والنبي عليه الصلاة والسلام قال: زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة فيزورها للذكرى، والعبرة، والدعاء للموتى، والترحم عليهم. وهذه هي السنة، من دون شد الرحل، واما مردان؛ برای آنان زیارت قبور و قبر پیامبر ﷺ و دو صاحب او مستحب است، البته بدون قصد حرکت برای زیارت؛ زیرا پیامبر ﷺ فرمود: قبور را زیارت کنید به جهت آن که شما را به یاد آخرت می اندازد و... ولی شدّ

۱. صحیح بخاری، ج ۳، باب صوم یوم النحر، ص ۴۳، ح ۱۹۹۵؛ صحیح مسلم، ج ۲، باب لاتشد الرحال، ص ۱۰۱۴، ح ۱۳۹۷.

۲. مجموع فتاوی، باب زیارة بیت المقدس، ج ۲۷، ص ۱۶.

۳. مجموع فتاوی، باب شرح حدیث لعن الله زورات القبور، ج ۲۴، ص ۳۴۸.

رحال برای زیارت قبور جایز نیست»^۱.

۳. هیأت استفتای دائمی وهابیان چنین فتوا داده اند: «لا يجوز شد الرحال لزيارة قبور الأنبياء والصالحين وغيرهم، بل هو بدعة: شدّ رحال برای زیارت قبور انبیاء و صالحان و غیر آنان جایز نیست، بلکه بدعت است»^۲.

نقد و بررسی حدیث «شدّ رحال» ردّ شبهه

۱. نقد و بررسی سند روایت

ابوهریره موثق نمی‌باشد و یکی از جاعلان حدیث است. روایات نقل شده توسط او به هیچ وجه قابل اعتماد نمی‌باشد؛ زیرا علمای رجال شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند، که ابوهریره مُدَلِّس می‌باشد و سخنی را که از دیگران شنیده بوده، به رسول خدا ﷺ نسبت می‌داد.

ذهبی، عالم مشهور اهل سنت در ترجمه (شرح حال) ابوهریره می‌نویسد: «قَالَ يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ: سَمِعْتُ شُعْبَةَ يَقُولُ: كَانَ أَبُو هُرَيْرَةَ يُدَلِّسُ: ابو هريره تدليس می‌کرد»^۳

حتی خلیفه دوم نیز از نقل احادیث او به تنگ آمده و او را تهدید به تبعید به سرزمین دوس کرد. ذهبی می‌گوید: «عن السائب بن يزيد قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول لأبي هريرة: لتتركن الحديث عن رسول الله ﷺ أو لألحقنك بأرض دوس»^۴

ابوهریره خود به اعتراض عمر اعتراف می‌کند: «يَحْيَى بْنُ أَبِي عُثْمَانَ: أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ كَانَ يَقُولُ: إِنِّي لِأُحَدِّثُ أَحَادِيثَ، لَوْ تَكَلَّمْتُ بِهَا فِي زَمَنِ عُمَرَ، لَشَجَّ رَأْسِي: احادیثی که الآن نقل می‌کنم، اگر در زمان عمر نقل می‌کردم، سرم را می‌شکست»^۵

ابن ابی الحدید شافعی به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می‌نویسد: «وقد روی

۱. نور علی الدرب (مجموع فتاوی بن باز)، باب حکم زیارة القبور للرجال و النساء، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، باب شدّ الرحال لزيارة القبور، ج ۱، ص ۴۹۳، رقم فتوا ۴۲۳۰.

۳. سیر أعلام النبلاء، الذهبی، ج ۲، باب ابوهریره، ص ۶۰۸؛ الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۶۸ و تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۶۷، باب حرف الهاء، ص ۳۵۹.

۴. سیر أعلام النبلاء، الذهبی، ج ۲، باب ابوهریره، ص ۶۰۱؛ کنز العمال، المتقی الهندی، ج ۱۰، فصل فی روایة الحدیث، ص ۲۹۱.

۵. سیر أعلام النبلاء، همان، ص ۶۰۱.

تشدّ رحال؛ سفر برای زیارت

عن علی عليه السلام أنه قال ألا إن أكذب الناس أو قال أكذب الأحياء على رسول الله صلى الله عليه وآله أبو هريرة الدوسي: آگاه باشید که دروغگوترین فرد در بین مردم نسبت به رسول خدا صلى الله عليه وآله ابو هریره دوسی است.^۱

استاد مرتضی مطهری می گوید: ابو هریره حدیثی درباره فضیلت پیاز جعل کرد و پیازها در اسرع وقت فروخته شد. ابو هریره گفت: «أَيُّهَا النَّاسُ! سَمِعْتُ مِنْ حَبِيبِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ بَصَلَ عَكَّةَ فِي مَكَّةَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ: شنیدم از حبیبم پیغمبر صلى الله عليه وآله که فرمود: هرکس پیاز عکّه را در مکه بخورد بهشت بر او واجب است.»^۲

۲. نقد و بررسی دلالت حدیث

حدیث از نظر دلالت نیز مخدوش می باشد؛ زیرا در در مستثنی منه این حدیث سه احتمال است؛

اول: مستثنی منه «مسجد من المساجد» باشد؛ یعنی اصل حدیث این گونه باشد: «لا تشدّ الرحال إلى مسجد من المساجد إلا إلى ثلاثة مساجد»؛ تحریم بار سفر بستن به سوی تمامی مساجد مگر مساجد سه گانه!

دوم: مستثنی منه «مكان من الامكنة المعنوية» باشد؛ یعنی اصل حدیث این گونه باشد: «لا تشدّ الرحال إلى مكان من الأمكنة المعنوية إلا إلى ثلاثة مساجد»؛ تحریم بار سفر بستن به مکان های معنوی مگر مساجد سه گانه!!

سوم: مستثنی منه «مكان من الامكنة» باشد؛ یعنی اصل حدیث این گونه باشد: «لا تشدّ الرحال إلى مكان من الأمكنة إلا إلى ثلاثة مساجد»؛ تحریم بار سفر بستن به همه جا مگر مساجد سه گانه!!!

بنابر احتمال اول، این حدیث هیچ دلالتی بر حرمت قصد زیارت قبر پیامبر صلى الله عليه وآله و سایر مشاهد متبرکه ندارد، زیرا؛

اولاً موضوع بحث عزم سفر برای مساجد است، و از میان مساجد، این سه مسجد استثناء شده است و قبر پیامبر صلى الله عليه وآله و سایر مشاهد متبرکه مسجد نیستند، لذا از موضوع

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، فصل فی ذکر الأحادیث الموضوعه، ص ۶۷.

۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۰۴ (کتاب سیری در سیره نبوی، عنوان ابوهریره و پیاز فروش).



بحث بیرون است و داخل در نهی نمی‌باشد (تخصّصاً خارج است نه تخصیصاً).
ثانیاً سفر بلال حبشی _ به یقین _ به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ از شام به مدینه معروف است. ابن اثیر نقل می‌کند: «ثم إن بلالاً رأى النبي ﷺ فى منامه وهو يقول: " ما هذه الجفوة يا بلال؟ ما ان لك أن تزورنا " فاتبه حيزناً، فركب إلى المدينة فأتى قبر النبي ﷺ وجعل يبكى عنده؛ بلال در خواب پیامبر ﷺ را دید در حالی که به او می‌گفت: ای بلال این چه جفا و رفتاری است؟ تو را چه شده که ما را زیارت نمی‌کنی؟ پس به سوی مدینه حرکت کرد و به قبر پیامبر ﷺ رسید و بر مزار او گریست»^۱

ثالثاً این حدیث که می‌گوید: «قصد کردن به هیچ مسجدی جز این سه مسجد جایز نیست» با عمل پیامبر ﷺ و صحابه که به طور قطع هر شنبه به مسجد قبا می‌رفتند، مخالف است. در صحیح بخاری آمده است که: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءِ كُلِّ سَبْتٍ، مَا شِئًا وَرَاكِبًا وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ يَفْعَلُهُ؛ پیامبر گرامی ﷺ در هر شنبه پیاده و سواره برای زیارت مسجد قبا می‌آمدند و فرزند عمر نیز این چنین می‌کرد.»^۲ و در صحیح مسلم آمده است: «أَنَّه كَانَ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءِ رَاكِبًا وَمَا شِئًا فَيُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ أَنْ بَنِ عُمَرَ كَانَ يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءِ كُلِّ سَبْتٍ وَكَانَ يَقُولُ رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَأْتِيهِ كُلَّ سَبْتٍ»^۳.

حتی با پذیرش احتمال اول، مقصود پیامبر ﷺ که می‌فرمایند «برای غیر از این سه مسجد بار سفر بسته نمی‌شود»، این نیست که «شدّ رحال» برای غیر آنها حرام است، بلکه لزومی ندارد که برای آن مساجد دیگر، انسان بار سفر ببندد و رنج را بر خود هموار سازد و به زیارت آن‌ها برود، غیر این سه مسجد از نظر فضیلت چندان تفاوت چشم‌گیری ندارند. مسجد جامع هر شهر، محله و یا قبیله، داری ثواب و فضیلت است، لزومی ندارد، با بودن مسجد جامع در نقطه نزدیک، انسان بار سفر برای مسجد جامع در نقطه دور ببندد، اما اگر چنین کاری انجام شود، کار او حرام و سفر او معصیت نیست. چنان که از صحاح و سنن نقل شد که: پیامبر ﷺ و صحابه روزهای شنبه به مسجد قبا می‌آمدند

۱. اسدالغابة، ج ۱، ص ۱۳۱؛ شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، ص ۳۹.

۲. صحیح بخاری، ج ۲، باب من أتى مسجد قباء كل سبت، ص ۶۱ ح ۱۱۹۳.

۳. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۹، باب فضل مسجد قباء و فضل الصلاة فيه، ص ۱۷۰، ح ۱۳۹۹.

و در آنجا نماز می‌گزاردند.

بنا بر احتمال دوم که هدف ممنوع ساختن تمام مسافرت‌های معنوی است: اولاً حصر صحیح نیست؛ در اعمال حج، انسان برای «عرفات»، «مشعر» و «منی»، بار سفر می‌بندد؛ چرا سفر به این نقاط سه گانه جائز است؟ و مسافرت مذهبی برای غیر این سه مورد جائز نیست؟.

ثانیاً در آیات و روایات به سفر برای جهاد در راه خدا، آموزش علم و دانش، صله رحم و زیارت والدین تصریح شده است، آن جا که می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَسَّفَعَهُوا فِي الدِّينِ وَلَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ چرا از هر قبیله‌ی گروهی کوچ نمی‌کنند که دین را بیاموزند و قبیله خود را پس از بازگشت، بترسانند شاید آنان بترسند.^۱

بنا بر احتمال سوم نیز اخذ به عموم روایت و صدور چنین حکمی ممکن نیست، زیرا: اولاً لازمه آن، حرمت هر نوع سفری است؛ اگرچه به قصد زیارت هم نباشد، که هیچ کس قائل به آن نیست.^۲ ثانیاً نهی از شدّ رحال برای زیارت غیر از این سه مسجد، نهی تحریمی نیست، بلکه ارشادی است، زیرا در هر شهری مسجد وجود دارد و سفر برای زیارت مسجد در شهری دیگر ضرورتی ندارد، در حالی که برای زیارت قبور اولیای الهی، آثار و برکاتی عظیم مترتب است که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد. از این جهت محققان بزرگ، حدیث را به گونه‌ی که یاد کردیم تفسیر کرده‌اند.

غزالی می‌گوید: «القسم الثانی وهو أن یسافر لأجل العبادة إما لحج أو جهاد و زیارة قبور الصحابة والتابعین وسائر العلماء والأولیاء و کل من یتبرک بمشاهدة فی حیاته یتبرک بزيارته بعد وفاته و یجوز شد الرحال لهذا الغرض ولا یمنع من هذا قوله ﷺ لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: مسجدی هذا والمسجد الحرام والمسجد الأقصى، لأن ذلك فی المساجد فإنها متماثلة بعد هذه المساجد...؛ قسم دوم از سفر، سفر برای جهاد، حج و زیارت قبور پیامبران، صحابه، تابعان و اولیاء و به طور کلی هرکس که زیارت او

۱. توبه، ۱۲۲.

۲. به همان دلیلی که در ثانی احتمال دوم اشاره شد.



در حال حیات مایه تبرک باشد، زیارت او در حال ممات نیز متبرک است و «شدّ رحال» برای این اغراض اشکال ندارد و روایت ابوهریره منع از آن نمی‌کند، چون با حدیث او که «شدّ رحال» به غیر سه مسجد را جایز نمی‌داند، منافاتی ندارد؛ موضوع آن حدیث، مساجد است و از آنجا که دیگر مساجد از نظر فضیلت یکسان می‌باشند، گفته شده است که مسافرت برای آنها جایز نیست (ترجیحی در سفر برای آنها نیست) و این مسأله غیر از سفر برای زیارت قبور اولیای الهی است چون زیارت انبیاء و اولیاء فضیلت دارد هر چند که دارای درجات و مراتب می‌باشند.^۱

دکتر عبدالملک سعدی از علمای معاصر اهل سنت عراق می‌گوید: «فإن النهی عن شدّ الرحال إلى أي مسجد غير المساجد الثلاثة ليس نهياً تحريمياً وإنما هو إرشاد إلى عدم الجدوى في سفر كهذا، وذلك لأن المساجد الأخرى لا تختلف من حيث الفضيلة؛ نهى از شدّ رحال به مساجد دیگر نهی تحریمی نیست و فقط به جهت آن است که زحمتی بی فایده است، زیرا ثواب مساجد یکسان است، مگر سه مسجد.»^۲

ثالثاً علمای شیعه و سنی قصد زیارت پیامبر ﷺ را راجح دانسته و در برابر ابن تیمیه - که شبهه حرمت زیارت را مطرح کرد - به شدت موضع گرفتند.

شهاب الدین قسطلانی می‌گوید: «هذا قول ابن تیمیه، حيث منع من زیارة النبی ﷺ وهو من أبشع المسائل المنقولة عنه؛ گفتار ابن تیمیه در منع زیارت قبر رسول الله ﷺ از بدترین مسائلی است که از او نقل شده است.»^۳

ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «وَالْحَاصِلُ أَنَّهُمُ الزَّمُوا ابْنَ تَيْمِيَةَ بِتَحْرِيمِ شَدِّ الرَّحْلِ إِلَى زِيَارَةِ قَبْرِ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَنْكَرْنَا صُورَةَ ذَلِكَ، وَفِي شَرْحِ ذَلِكَ مِنَ الطَّرْفَيْنِ طُولٌ، وَهِيَ مِنْ أَبْشَعِ الْمَسَائِلِ الْمَنْقُولَةِ عَنْ ابْنِ تَيْمِيَةَ.»^۴

غزالی می‌گوید: «قد ذهب بعض العلماء إلى الاستدلال بهذا الحديث في المنع من

۱. احیاء علوم الدین غزالی، کتاب اسرار الحج، ج ۲، ص ۲۴۷، دار المعرفة بیروت.

۲. البدعة مفهوماً و حدودها، دکتر عبدالملک سعدی، ج ۷، ص ۲۷.

۳. ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ج ۲، باب فضل الصلاة فی مسجد مکه، ص ۳۴۴.

۴. فتح الباری شرح صحیح بخاری، ج ۴، باب فضل الصلاة فی مسجد مکه، ص ۱۹۰.

شدّ رحال؛ سفر برای زیارت

الرحلة لزيارة المشاهد وقبور العلماء والصلحاء وما تبين لي أن الأمر كذلك بل الزيارة مأمور بها قال ﷺ كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها: بعضی از علماء به کمک این حدیث، استدلال بر ممنوعیت سفر برای زیارت قبور علماء و صالحان کرده‌اند و آنچه که بر من روشن شد چنین است اما امر شده به زیارت آنان؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم، پس حالا به زیارت آنها بروید.^۱

ذهبی در استدلال ابن تیمیه به این حدیث تأمل دارد و می‌گوید: «زيارة قبره ﷺ من أفضل القرب، وشد الرحال إلى قبور الانبياء والاولياء، لئن سلمنا أنه غير مأذون فيه لعموم قوله صلوات الله عليه: "لا تشدوا الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد" فشد الرحال إلى نبينا ﷺ مستلزم لشد الرحل إلى مسجده، وذلك مشروع بلا نزاع، إذ لا وصول إلى حجرته إلا بعد الدخول إلى مسجده؛ زیارت قبر پیامبر ﷺ با فضیلت ترین اعمال است و اگر بپذیریم به خاطر عموم روایت، لاتشد الرحال، بار سفر بستن به سوی قبور سایر انبیاء و اولیاء بدعت است، پس شد رحال به سوی قبر نبی ﷺ مستلزم شد رحال به سوی مسجد پیامبر ﷺ می‌باشد و این به اتفاق مشروع است چون لازمه رسیدن به محل قبر پیامبر ﷺ دخول به مسجد النبی ﷺ است.»^۲

رابعاً احادیثی از فریقین داریم که دلالت بر جواز زیارت قبور دارد که در ادامه خواهد آمد؛

گفته شده است که در صدر اسلام به خاطر نزدیکی به زمان جاهلیت، برای حمایت و حفاظت از توحید از زیارت قبور منع شده است، هنگامی که ایمانشان زیاد گشت و بزرگی آن بر مردم آشکار گردید و در قلب‌ها رسوخ نمود و دلایل توحید توضیح داده شد و شبهه شرک، کشف و آشکار گردید؛ مشروعیت زیارت قبور داده شد، زیرا هدف‌ها ثابت و مقاصد آشکار گردید. به عبارت دیگر ممکن است چنین منعی در ابتدا وجود داشته اما سپس نسخ روایی شده باشد.

از بریده بن حصیب روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ

۱. احیاء علوم الدین غزالی، ج ۱، کتاب اسرار الحج، ص ۲۴۴، دار المعرفه بیروت.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، باب الحسن ابن سبط رسول، ص ۴۸۴.

الْقُبُورِ فَزُورُوهَا؛ شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم پس حالا به زیارت آنها بروید.^۱ نووی ذیل این حدیث می‌گوید: «هَذَا مِنَ الْأَحَادِيثِ الَّتِي تَجْمَعُ النَّاسُ وَالْمَنْسُوخَ وَهُوَ صَرِيحٌ فِي نَسْخِ نَهْيِ الرَّجَالِ عَنْ زِيَارَتِهَا وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ أَنَّ زِيَارَتَهَا سُنَّةٌ لَهُمْ؛ این از احادیثی است که در آن ناسخ و منسوخ وجود دارد و آن بر لغو ممنوعیت زیارت مردان تصریح دارد و بر استحباب زیارت قبور اجماع وجود دارد.»^۲ جمهور اهل سنت از عبارت «فَزُورُوهَا» استفاده استحباب کرده‌اند ولی ابن حزم برداشت وجوب کرده است.^۳ از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْمَوْتَ؛ به زیارت قبور بروید که آن باعث یادآوری مرگ می‌شود.»^۴ نووی بعد از نقل حدیث فوق سند آن را بررسی کرده و می‌گوید: «فهو حدیث صحیح بلا شک.»^۵ از ابوسعید خدری روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنِّي نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةٌ؛ من شما را از زیارت قبرها نهی کردم پس حالا به زیارت آنها بروید که در زیارت آنها عبرت و پند است.»^۶

از انس بن مالک روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ أَلَا فَزُورُوهَا، فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَتُدْمَعُ الْعَيْنَ، وَتُذَكَّرُ الْآخِرَةَ، وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا؛»^۷ من شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم حالا به زیارت آنها بروید که در زیارت آنها نرمی قلب، اشک چشمان و تذکر آخرت وجود دارد و چیزهایی که شرع ممنوع کرده نگویید.»^۸

۱. این حدیث در باب‌های مختلف صحیح مسلم نقل شده، از آن جمله: ج ۲، باب استئذان النبی ﷺ، ص ۶۷۲ ح ۹۷۷؛ ج ۳، باب بیان ما کان من النهی، ص ۱۵۶۳، ح ۱۹۷۷.
۲. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۷، باب قوله ﷺ، ص ۴۶، ذیل حدیث ۹۷۷.
۳. منصور علی ناصف، التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.
۴. صحیح مسلم، ج ۲، باب استئذان النبی ﷺ، ص ۶۷۱ ح ۹۷۶.
۵. صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۷، باب قوله ﷺ، ص ۴۶، ذیل حدیث ۹۷۶.
۶. مسند أحمد بن حنبل، ج ۳، باب مسند ابی سعید خدری، ص ۳۸؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱، باب الجنائز، ص ۵۳۰.
۷. المستدرک علی الصحیحین للحاکم، همان، ص ۵۳۲.

شدّ رحال؛ سفر برای زیارت

از بریده بن حصیب روایت است که گفت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ، فَكَانَ قَائِلُهُمْ يَقُولُ - فِي رِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ -: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ، - وَفِي رِوَايَةِ زُهَيْرٍ -: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ لِلْكَاحِفُونَ، أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»؛ «رسول الله ﷺ به آنها یاد می داد هنگامی که به سوی قبرها خارج می شوند و پیش آنها ایستادند بگویند: سلام بر شما ای اهالی مؤمن و مسلمان این دیار؛ ان شاء الله ما نیز به شما ملحق می شویم؛ از خدا برای خود و شما طلب عافیت و سلامتی می کنیم.»^۱

خامساً این حدیث به گونه دیگری نیز نقل شده است که به هیچ وجه دلالت بر مقصود آنها ندارد. در صحیح مسلم آمده است: «تَشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ؛ به سوی سه مسجد بار سفر بسته می شود.»^۲ این در حقیقت تشویق است، بدون آنکه موارد دیگر را نفی نماید، و به اصطلاح إثبات شیء نفی ما عدا نمی کند. از آن جا که معلوم نیست متن اصلی حدیث به صورت اول بوده یا دوم، حدیث مجمل و غیر قابل استدلال می شود.

ممکن است گفته شود در متن دیگری که در صحیح مسلم از ابوهریره آمده است: «إِنَّمَا يُسَافِرُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ وَمَسْجِدِ إِبِلْيَاءَ؛ مسافرت فقط برای این سه مسجد جایز است.»^۳ بنابراین شدّ رحال فقط برای این سه مسجد جایز است! جواب این سؤال هم روشن است؛

اول آن که سفرهای دینی و غیر دینی به اجماع امت جایز است و سفر منحصر به این سه مسجد نیست، در نتیجه حصر مزبور به اصطلاح «حصر اضافی» است، یعنی در میان مساجد این سه مسجد است که برای آن شدّ رحال می شود. و دوم آن که متن حدیث مشکوک است و معلوم نیست در واقع اولی بوده یا دومی یا سوّمی، و بسیار بعید است که پیامبر ﷺ سه بار این مطلب را با سه عبارت فرموده باشد. ظاهر این است که

۱. صحیح مسلم، ج ۲، باب ما یقال عند دخول، ص ۶۷۱، ح ۹۷۵.

۲. همان، باب لاتشد الرحال، ص ۱۰۱۵، ح ۱۳۹۷.

۳. همان؛ در ذیل این روایت محمد فؤاد عبد الباقی توضیح می دهد: «مَسْجِدُ إِبِلْيَاءَ هُوَ بَيْتُ الْمَقْدِسِ.»

راویان اخبار نقل به معنا کرده اند، بنابراین حدیث مزبور در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود و با ابهام متن حدیث، استدلال به آن فاقد اعتبار است.

سادساً اشکال دیگری به این گفته (حرمت سفر برای زیارت) وارد است که اگر اصل مشروعیت چیزی اثبات شود، مقدمات منحصره‌ی آن نیز بدون تردید مشروع خواهد بود. تردیدی نیست که نماز خواندن در هر مسجدی از مساجد دنیا جایز بلکه مستحب است، چنان که تردیدی در مشروعیت زیارت قبور نیست. بنابراین شبهه‌ای در جواز بلکه استحباب مسافرت برای رفتن به هر مسجدی از مساجد دنیا یا برای رفتن به سوی قبور مطهر و مراقد منور نیست به ویژه آنکه روایات بسیاری در تشویق زیارت وجود دارد.

سابعاً جاعلان دستگاه اموی در ساختن و پرداختن این گونه احادیث ساکت و بی‌کار نبودند و بعید نیست که آن را برای مخالفت با علاقه‌مندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام جعل کرده باشند تا مثلاً فضیلت مسجد کوفه را که حرم امیر المؤمنین علیه‌السلام است، مخدوش نمایند زیرا فضایل فراوان برای مسجد کوفه نقل شده است. از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آمده است: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؛ بار سفر بسته نمی‌شود جز به سه مسجد: مسجد الحرام و مسجد النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسجد کوفه»^۱.

از امام صادق علیه‌السلام رسیده است: «الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ؛ کوفه حرم خدا و حرم رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حرم علی بن ابیطالب علیه‌السلام است، نماز در آن برابر است با هزار رکعت نماز در جاهای دیگر.»^۲ در روایت دیگری نقل شده است: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي مَرَرْتُ بِمَوْضِعِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَنَا عَلَى الْبُرَاقِ وَ مَعِيَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَنْزِلْ فَصَلِّ فِي هَذَا الْمَكَانِ قَالَ فَتَنَزَّلْتُ

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، باب تأکید استحباب قصد المسجد، ص ۲۵۷، ح ۶۴۸۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، باب فضل المساجد و حرمتها، ص ۲۳۱، ح ۶۹۴؛ الخصال، ج ۱، باب لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد، ص ۱۴۳، ح ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۹۶، باب فضل المسجد الحرام و احکامه، ص ۲۴۰، ح ۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶، ح ۱؛ کامل الزیارات ابن قولویه، باب فضل الصلاة فی مسجد الكوفة و مسجد سهلة، ص ۲۹، ح ۸؛ المزار شیخ مفید، باب فضل الكوفة، ص ۶، ح ۲.

شدّ رحال؛ سفر برای زیارت

فَصَلَّيْتُ: در شب معراج جبرئیل به پیامبر اکرم ﷺ عرض کرد؛ در اینجا فرود آی و نماز بگزار؛ پس فرود آمدم و نماز گزاردم. ^۱ ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ عَمْدًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَصَلَّى فِيهِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ عَادَ حَتَّى رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَأَخَذَ الطَّرِيقَ: امام سجاد علیه السلام از مدینه منوره صرفاً به قصد نماز گزاردن به مسجد کوفه آمد چهار رکعت نماز گزارد، آنگاه بر مرکب خود سوار شده و به مدینه بازگشت.» ^۲

وقتی آن روایت را با روایاتی که فضایی را برای دیگر مساجد (مسجد الاقصی، مسجد بُرثا در بغداد، مسجد سهله و...) اثبات می‌کند، جمع نماییم، به معنای اثبات کمال برتر برای مساجد سه گانه است. ضمن آنکه مساجد دیگر مانند مسجد سهله دارای فضایل مخصوص است و برای ادراک آن فضایل، بار بستن و کوچ کردن (شدّ رحال) خوب است. در حقیقت این روایت مانند روایت «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ» ^۳ است که اشاره به نفی کمال از نماز در خانه دارد. ضمن آنکه نمازش در خانه صحیح است.



۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب فضل المساجد و حرمتها، ص ۲۳۱، ح ۶۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۵، باب تأکد استحباب قصد المسجد، ص ۲۵۷، ح ۶۴۸۳.
۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، باب فضل المساجد و الصلاة فیها، ص ۲۵۴، ح ۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، باب تأکد استحباب قصد المسجد، ص ۲۵۴، ح ۶۴۷۲؛ کامل الزیارات، باب فضل الصلاة فی مسجد الکوفة، ص ۲۷، ح ۱.
۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، باب کراهة تأخر جیران المسجد، ص ۳۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، باب فضل المسجد و احکامها، ص ۳۷۹، ح ۴۷.

نتیجه گیری

با بررسی فتاوی مانعین «شدّ رحال»، و ارائه پاسخ‌های متعدد و مستند عقلی و نقلی اعم از آیات و روایات، ضعف سندی و دلالتی دلیل آنان به اثبات رسید. در نتیجه، نه تنها بی پایه بودن یکی دیگر از تهمت‌های ناروای دشمنان اسلام آشکار شد، بلکه استحباب این عمل ارزشمند نیز به روشنی مشخص گردید.

فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد الغزالی، ۴ جلد، بیروت، دار المعرفة.
۲. إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، أحمد بن محمد القسطلانی، ۱۰ جلد، چاپ هفتم، مصر، المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۲۳ق.
۳. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن الأثیر، ۸ جلد، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۵. البدعة مفهومها و حدودها، عبدالملک سعدي، مؤسسة الرسالة.
۶. التاج الجامع للأصول، منصور علی ناصف.
۷. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ۸۰ جلد، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ق.
۸. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ۱۰ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۹. الخصال، شیخ صدوق، ۲ جلد در ۱ مجلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۱۰. سیر أعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، ۱۸ جلد، قاهرة، دار الحديث، ۱۴۲۷ق.
۱۱. شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد معتزلی، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، علی بن عبدالکافی تقی الدین سبکی شافعی.
۱۳. صحیح بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی.
۱۴. صحیح مسلم، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری.
۱۵. صحیح مسلم بشرح النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، ۱۸ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.
۱۶. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، أحمد بن عبد الرزاق الدویش، ۱۱ جلد، ریاض، رئاسة إدارة البحوث العلمیة و الإفتاء - الإدارة العامة للطبع.
۱۷. فتح الباری شرح صحیح بخاری، ابن حجر العسقلانی، ۱۳ جلد.
۱۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۱۹. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، ۱ جلد، نجف اشرف، انتشارات مرتضویه، ۱۳۵۶ق.
۲۰. الکامل فی ضعفاء الرجال، أبو أحمد بن عدی الجرجانی، بیروت، الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۲۱. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علی بن حسام الدین المتقی الهندی، ۱۶ جلد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹م.
۲۲. مجموع فتاوی، ابن تیمیة، ۳۵ جلد.
۲۳. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ۲ جلد، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۲۴. المزار، شیخ مفید، ۱ جلد، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۵. مستدرک الوسائل، حسین نوری، ۱۸ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.



۲۶. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاکم النیسابوری، ۴ جلد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۲۷. مسند أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، ۶ جلد، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
۲۸. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ۴ جلد، قم، انتشارات جامعہ مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۹. فتاوی نور علی الدرب، عبد العزیز بن عبد الله بن باز.
۳۰. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، ۲۹ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.